

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم بعد از موافقت نامه پاریس

چکیده

موضوع تغییر اقلیم و پیامدهای مخرب آن امروزه یکی از ابرچالش‌های جهانی تلقی می‌شود. برای مقابله با آن اقدامات مختلفی در دست اجراست. یکی از مسائل کلیدی در این روند، امکان دادخواهی علیه موارد سوء عملکرد یا ترک فعل‌های مخرب دولت‌ها یا سایر بازیگران در عرصه جهانی است. فعالین مختلف با تقویت پیوندهای حقوقی پیامدهای تغییر اقلیم با حقوق بشر در تلاش هستند ظرفیت‌های قضایی یا شبه قضایی ملی یا بین‌المللی برای رسیدگی به موارد دادخواهی تغییر اقلیم را ارتقا بخشند. اینکه در روند تلاش‌های مزبور، از حیث نظری چگونه پیوندهای تغییر اقلیم با حقوق بشر توجیه می‌شود، از چه سازوکارهایی برای دادخواهی بهره می‌برند و رویه سازوکارهای قضایی یا شبه قضایی مختلف در این زمینه با چه ویژگی‌هایی همراه بوده و چگونه موانع فنی فراروی دادخواهی را مرتفع ساخته و نهایتاً چشم اندازهای آتی در این زمینه را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ محورهای اصلی پژوهش حاضر هستند که با روش توصیفی تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد مختلف از جمله رویه‌های قضایی و شبه قضایی ذیربط و با استقراء داده‌های متنوع برای استنتاج نتایج کلی و قابل تعمیم انجام پذیرفته است. دست‌آورد پژوهش بر ظرفیت بالای رویکرد حقوق بشر محور، در رابطه با دادخواهی از مسببان تغییر اقلیم تاکید دارد.

کلیدواژه: تغییر اقلیم، دادخواهی، حقوق بشر، رویه قضایی، رسیدگی‌های شبه قضایی، مسؤولیت

مقدمه

تغییر اقلیم یک زنجیره به هم پیوسته است که از فعالیت‌های توسعه‌ای به ویژه مصرف سوخت‌های فسیلی آغاز می‌شود و پیامدهای متعددی را به دنبال دارد. اما میزان تولید گازهای گلخانه‌ای، کنترل آن و در نهایت پدیده‌های ناشی از آن، از قبیل گرم شدن زمین، زیر آب رفتن سکونتگاه‌ها، طوفان‌ها، سیل‌ها و یا

خشکسالی‌ها بیشتر مدنظر بوده است؛^۱ این در حالی است که این پدیده‌ها آوارگی، مهاجرت‌های گسترده، بی‌تابیتی، بیکاری، فقر و ناامنی را به دنبال دارند.^۲ تغییر اقلیم زندگی صدها میلیون انسان را دستخوش تغییر قرارداده، بی‌آنکه بدانند قربانی تغییر اقلیم هستند.^۳

برای مقابله با تغییر اقلیم و آثار منفی آن اقدامات مختلفی مطرح و یا در دست اجراست. یکی از مسایل کلیدی در این روند، امکان دادخواهی علیه سوء عملکرد یا ترک فعل‌های مخرب دولت‌ها یا سایر بازیگران است؛ اما دادخواهی بر اساس رویکردهای سنتی شناخته شده در حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل متناسب با نیازها نیست و با موانع و چالش‌هایی روبروست پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال‌هاست:

یک: پیوند میان حقوق بشر و تغییر اقلیم در نظر و عمل چگونه توجیه می‌شود و رویکرد حقوق بشرمحور چگونه می‌تواند در تقویت دادخواهی‌های تغییر اقلیم مفید باشد؟

دو: با توجه به چالش‌های پیش‌روی دادخواهی‌های تغییر اقلیم بر مبنای حقوق بشر، چگونه می‌توان مسائلی چون صلاحیت و اثبات مسؤولیت را حل کرد؟

در گذشته پژوهش‌های پراکنده‌ای در زمینه دادخواهی در تغییر اقلیم انجام شده است^۴ و برخی موضوع تغییر اقلیم را از زاویه حقوق بشر بررسی کرده‌اند؛^۵ لیکن پژوهش حاضر مطالعه‌ای جامع و مستند به جدیدترین رویه‌های قضایی است تا

^۱. IPCC, "Climate Change ۲۰۱۳: The Physical Science Basis." Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change ۱۵۳۵ (۲۰۱۳).

^۲. سمیعی، سارا، «تحلیلی بر تغییرات اقلیمی در کره زمین و بحران‌های منابع طبیعی و تنوع زیستی جهان»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی بیولوژی و علوم زمین، (همدان، ۱۴۰۰)، ۲.

^۳. خوش‌منش بهنوش، پورهایمی سیدعباس، سلطانی، محمد و هرمداس باوند، داوود، «بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره هفدهم، شماره ۴، (۱۳۹۴): ۲۳۹.

^۴. Peel, Jacqueline, and Hari M. Osofsky. "Climate change litigation." *Annual Review of Law and Social Science*, ۱۶, no. ۱ (۲۰۲۰): ۲۱-۳۸ & Peel, Jacqueline, and Hari M. Osofsky. "A rights turn in climate change litigation?." *Transnational Environmental Law*, ۷, no. ۱ (۲۰۱۸): ۳۷-۶۷.

^۵. Yoshida, Keina, and Joana Setzer. "The trends and challenges of climate change litigation and human rights." *European Human Rights Law Review*, ۲۰۲۰, no. ۲ (۲۰۲۰): ۱۴۰-۱۵۲. & Liston, Gerry. "Enhancing the efficacy of climate change litigation: how to resolve the 'fair share question' in the context of international human rights law." *Cambridge International Law Journal*, ۹, no. ۲ (۲۰۲۰): ۲۴۱-۲۶۳.

ارتباط بین تغییر اقلیم و حقوق بشر را تبیین، رویه‌های حقوق بشری در جهت تقویت دادخواهی تغییر اقلیم را بررسی و در انتها و بعنوان نقطه عطف پژوهش، چالش‌های «دادخواهی بر مبنای حقوق بشر»^۶ را ارزیابی و ارائه نماید. عبارت «دادخواهی» در این پژوهش، رسیدگی در نهادهای قضایی و شبه قضایی را در بر می‌گیرد.

۱- ارتباط بین حقوق بشر و تغییر اقلیم

موافقت‌نامه پاریس تأکید دارد که تغییر اقلیم می‌تواند حق‌های بشری متعددی را تحت تأثیر قرار دهد. «حق حیات»، «حق سلامت»، «حق بر اموال»، «حق بر محیط زیست سالم»، «حق بهره‌مندی از فرهنگ»، «حق مردم بومی، جوامع محلی، مهاجران، کودکان، افراد دارای معلولیت و در موقعیت‌های آسیب‌پذیر» و «حق توسعه» به علاوه، تساوی جنسیتی، اقتدار زنان و انصاف بین‌نسلی از جمله این حقوق هستند.

در اکتبر سال ۲۰۲۱، شورای حقوق بشر تأیید کرد که داشتن محیط زیست سالم، پایدار و تمیز یک حق بشری است. در قطعنامه ۴۸/۱۳، شورا دولت‌ها را به همکاری با یکدیگر و سایر نهادها به منظور اجرای این حق تازه شناخته شده، فراخواند.^۷ شورا همچنین طی قطعنامه دیگری، گزارشگر ویژه‌ای را جهت ارتقا و حمایت از حقوق بشر در زمینه تغییر اقلیم تعیین کرد.^۸ در جولای ۲۰۲۲، قطعنامه‌ای بر اساس متن قبلاً تصویب شده شورای حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل صادر شد که از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های تجاری می‌خواهد تا تلاش‌های‌شان را برای تضمین محیط‌زیستی سالم برای همه افزایش دهند. این قطعنامه اثرات تغییر اقلیم را مورد شناسایی قرار می‌دهد و اینکه خسارت به محیط‌زیست پیامدهای منفی مستقیم و غیرمستقیمی بر بهره‌مندی مؤثر از تمامی حقوق بشر دارد.^۹ در شورای حقوق بشر سازوکارهای متعدد از جمله گزارشگر مستقل حقوق بشر و همبستگی بین‌المللی^{۱۰}، گزارشگر

^۶ Human Rights Based Approach (HRBA) litigation.

^۷ Knox, John. "Framework principles on human rights and the environment." UN Human Rights Special Procedures: Special Rapporteur, Independent Experts & Working Groups. Geneva (۲۰۱۸).

^۸ Human Rights Council, "Resolution ۴۸/۱۴: Mandate of the Special Rapporteur on the promotion and protection of human rights in the context of climate change", UN Doc. A/HRC/۴۸/L.۲۷*, (۴ Oct. ۲۰۲۱).

^۹ Tang, Ke, and Otto Spijkers. "The Human Right to a Clean, Healthy and Sustainable Environment." *Chinese Journal of Environmental Law*, ۶, no. ۱ (۲۰۲۲): ۸۷-۱۰۷.

^{۱۰} Obiora Chinedu Okafor

حق بر آب، گزارشگر محیط‌زیست، گزارشگر حق بر غذا به بررسی موضوع تغییر اقلیم و حقوق بشر پرداخته‌اند. دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر ملل متحد^{۱۱} نیز به اهمیت شناسایی تعهدات دولت‌ها درباره حقوق بشر که قربانیان تغییر اقلیم را مستحق دریافت غرامت می‌سازد اشاره کرده است.^{۱۲}

وفق رویکردهای پیش‌گفته و نیز منطبق با بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) که مقرر می‌دارد معاهده می‌بایست در چهارچوب «قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل قابل اعمال بر روابط طرفین»، تفسیر شود؛ از آنجایی که دولت‌ها تعهد بر حمایت، احترام و ایفای حقوق بشر دارند و نیز تغییر اقلیم آثار قابل توجه مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق بشر دارد، قواعد تغییر اقلیم می‌بایست در چهارچوب حقوق بشر تفسیر شوند.^{۱۳}

رابطه بین حقوق بشر و تغییر اقلیم در یک دهه گذشته توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است اما طرح دعاوی حق‌محور در دادگاه‌ها مسأله کاملاً نوینی است که اخیراً پا به عرصه وجود گذاشته است. از آنجایی که پیرو اسناد و رویه‌های متعدد «رویکرد حقوق بشر محور»^{۱۴} در جامعه بین‌المللی جایگاه قابل توجهی پیدا کرده به نظر می‌توان قابلیت‌های ایجاد شده در مباحث حقوق بشری را به منظور تقویت دادخواهی تغییر اقلیم بر اساس نقض حقوق مورد بهره‌برداری قرار داد.

۲- امکان‌سنجی دادخواهی‌های تغییر اقلیم در پرتو سازوکارهای حقوق بشر

رویکرد حقوق بشری برای دادخواهی‌های تغییر اقلیم می‌تواند به برخی چالش‌های فنی جهت طرح دعاوی پاسخ دهد. اگرچه تا این تاریخ دعوایی با موضوع تغییر اقلیم نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نشده است؛ با این حال،

^{۱۱}. United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights (UNOHCHR).

^{۱۲}. UNOHCHR, "Report on the Relationship between Climate Change and Human Rights", A/HRC/۱۶/۱, (۲۰۱۹): ۸۶-۸۸.

^{۱۳}. Strauss, Andrew L. "Climate change litigation: Opening the door to the international court of justice." Chapter ۱۵, in *the book of Adjudicating Climate Change*, (Cambridge University Press ۲۰۰۹): ۳۳۴.

^{۱۴} Human Rights Based Approach (HRBA)

سازوکارهای قضایی و شبه قضایی منطقه‌ای و جهانی با افزایش این دعاوی مواجه هستند.^{۱۵} در دادخواهی‌های مبتنی بر حقوق بشر، خواهان می‌تواند شکایت خود را نزد محاکم قضایی منطقه‌ای حقوق بشر (مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر یا دادگاه آمریکایی حقوق بشر) یا نهادهای شبه قضایی (مانند کمیته حقوق بشر ملل متحد، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق کودک و سایر سازوکارها) مطرح کند.

۱-۲- مراجع بین‌المللی

به طور کلی، نهادهای شبه قضایی دادگاه نیستند ولیکن به شکایات فردی رسیدگی می‌کنند و می‌توانند حقوق را تفسیر کنند. در سال ۲۰۱۹، گروهی از کودکان از کشورهای مختلف شکایتی را در کمیته حقوق کودک مطرح کردند که طبق ادعای آنان ترکیه^{۱۶} با عدم اقدام مناسب و برخی ترک فعل‌های دیگر، نتوانسته بود از پیامدهای تغییر اقلیم جلوگیری به عمل آورده و آثار را کاهش دهد و نتیجتاً حق حیات، سلامت و فرهنگ کودکان را پایمال نموده است.^{۱۷}

در این پرونده کمیته یادآور می‌شود در صورت وجود رابطه سببیت بین عملی که از سرزمین آن دولت نشأت گرفته و نقض حقوق بشر افراد خارج از قلمرو آن دولت، اشخاصی که حقوق‌شان نقض شده تحت صلاحیت دولت منشأ در نظر گرفته می‌شوند. اعمال صلاحیت زمانی رخ می‌دهد که دولت منشأ کنترل مؤثر بر فعالیت‌های موجب زیان و نقض حقوق بشر ناشی از آن زیان داشته باشد و در موقعیتی است که می‌تواند آن فعالیت‌های موجب زیان فرامرزی را متوقف کند و مانع از عدم بهره‌مندی افراد خارج از قلمروش از حقوق بشر شود. بر این اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعهد به عدم ورود زیان یا خسارت فرامرزی زیست‌محیطی تعهد به رسمیت شناخته شده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که طبق آن، می‌توان دولت‌ها را برای هرگونه خسارت قابل

^{۱۵} مرکز سابین برای حقوق تغییر اقلیم Sabin Center for Climate Change Law حدود ۱۵۰۰ پرونده را در حوزه دادخواهی تغییر اقلیم شناسایی کرده که حدود ۷۵ درصد از این تعداد در ایالات متحده آمریکا مطرح شده‌اند، استرالیا، اتحادیه اروپا و انگلستان نیز میزان قابل توجهی از این تعداد را به خود اختصاص دهند.

^{۱۶} دولت ترکیه پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک را در سال ۲۰۱۸ پذیرفته است.

^{۱۷} Committee on the Rights of the Child, "Decision adopted by the Committee on the Rights of the Child under the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on a communications procedure in respect of Communication No. ۱۰۸/۲۰۱۹" (۲۰۱۹); Paras ۱, ۱ & ۲.

توجه^{۱۸} علیه افراد خارج از مرزها به واسطه فعالیت‌های واقع در سرزمین یا تحت کنترل یا اقتدار مؤثر مسئول شناخت.^{۱۹} کمیته چنین اظهار می‌کند «در حالی که عنصر مورد نیاز اثبات مسؤلیت دولت تا حدودی مسأله‌ای ماهوی است، اما زیان وارده به قربانیان بایستی در زمان انجام فعل یا ترک فعل به طور متعارف قابل پیش‌بینی بوده باشد حتی اگر بخواهیم صلاحیت را اثبات کنیم (بند ۹.۷)». کمیته هم چنین بیان می‌دارد که «در کل شواهد علمی این مسأله را پذیرفته که انتشار کربن موجب تشدید تغییر اقلیم شده و اثر مخرب بر بهره‌مندی از حقوق افراد واقع در سرزمین خود و خارج از قلمرو دارد (بند ۹.۹)». همچنین طبق اصل مسؤلیت مشترک اما متفاوت که در موافقت‌نامه پاریس آمده ماهیت جمعی رابطه سببیت ناشی از تغییر اقلیم، {کشور} را از مسؤلیت فردی خود برای ورود زیان به {افراد} به سبب انتشار گازهای گلخانه‌ای واقع در سرزمینش مبرا نمی‌کند و اینکه {افراد} در کجا ساکن بوده‌اند، در این جا اهمیتی ندارد (بند ۹.۸).

همچنین در ژانویه ۲۰۲۰، کمیته حقوق بشر سازمان ملل پرونده ایوآن تی‌تیوتا^{۲۰} را مورد بررسی قرار داد. وی به شکل ناموفقی خواستار حمایت نیوزیلند به سبب بالا آمدن سطح آب دریا بود که زندگی وی را در جمهوری کریباتی تهدید می‌کرد. کمیته دعوای خواهان را رد کرد؛ چراکه جدول زمانی احتمالی برای بالا آمدن سطح آب دریا که موجب غیرقابل سکونت شدن کریباتی می‌شود، ۱۰ تا ۱۵ سال آینده است و نتیجتاً اتباع آن متوجه خطر فوری نیستند. این جدول زمانی به کریباتی اجازه داده تا اقدامات مثبتی را برای حفاظت و در صورت لزوم، جابه‌جایی جمعیتش اتخاذ کند. البته، کمیته حق دادخواهی پناهندگان را بر مبنای تغییر اقلیم مورد شناسایی قرارداد و تأکید کرد که بازگرداندن افراد وقتی که حیات‌شان به سبب خطرات اقلیمی در کشورشان در خطر است، از سوی حکومت‌ها غیرقانونی است.

در می ۲۰۱۹، گروهی از ساکنین جزیره تنگه توریس شکایتی را علیه استرالیا نزد کمیته حقوق بشر سازمان ملل به سبب نقض تعهدات حقوق بشری طرح کردند. چنین استدلال شده که عدم اتخاذ اقدام کافی برای مقابله با انتشار و اجرای اقدامات انطباقی توسط استرالیا موجب نقض حق بر فرهنگ، زندگی خانوادگی

^{۱۸}. Significant Harm.

^{۱۹}. Committee on the Rights of the Child, (۲۰۱۹): Para ۹,۵.

^{۲۰}. Ioane Teitiota.

و حیات شده است.^{۲۱} این شکایت همچنان توسط کمیته در دست بررسی است و نخستین پرونده تغییر اقلیم توسط جزایر کم ارتفاع در رابطه با نقض تعهدات حقوق بشری در زمینه تغییر اقلیم خواهد بود.

۲-۲-۲- مراجع منطقه‌ای

دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر دو نهاد برجسته منطقه‌ای هستند. قضایای زیست محیطی مرتبط با تغییر اقلیم نزد این محاکم مطرح شده است. این محاکم در حوزه آسیب‌های فرامرزی و صلاحیت فراسرزمینی در موارد نقض حقوق بشر، نقش قابل توجهی ایفا کرده‌اند.

۱-۲-۲- دادگاه اروپایی حقوق بشر

در سپتامبر ۲۰۲۱، نخستین پرونده تغییر اقلیم نزد دادگاه اروپایی مطرح شد. شش کودک و جوان پرتغالی دادخواستی را علیه ۳۱ دولت طرف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح کردند.^{۲۲} آن‌ها استدلال نمودند که قربانی تغییر اقلیم هستند که منجر به نقض ماده ۲ (حق حیات)، ماده ۸ (حق زندگی خصوصی) و ماده ۱۴ (منع تبعیض) کنوانسیون شده است. این پرونده از جمله مواردی است که هنوز نزد دیوان اروپایی در حال رسیدگی است و باید دید دیوان چگونه در رابطه با مسأله صلاحیت ابراز نظر خواهد کرد. دلیل اهمیت آن نیز به سبب ماهیت فرامرزی این دعوا است.^{۲۳}

در سال ۲۰۱۶، پرونده‌ای تحت عنوان *Greenpeace Nordic Ass'n v. Ministry of Petroleum and Energy (People v Arctic Oil)* در دادگاه بخش اسلو توسط چند سازمان محیط‌زیستی و شش فعال زیست محیطی جوان علیه دولت نروژ طرح شد مبنی بر اینکه مجوز دولت این کشور جهت توسعه استخراج نفت و گاز از

^{۲۱}. Rimmer, Matthew. "The Torres Strait Eight: Climate Litigation, Biodiversity, Human Rights, and Indigenous Intellectual Property." *Human Rights, and Indigenous Intellectual Property (January 1, 2022)*.

^{۲۲}. Feria-Tinta, Monica. "Climate Change Litigation in the European Court of Human Rights: Causation, Imminence and Other Key Underlying Notions." *Europe of Rights & Liberties*, ۱ (۲۰۲۱): ۳.

^{۲۳}. پرونده‌های مشابهی با نام *Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Carême v. France and Switzerland* در نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح است که می‌تواند در کنار پرونده فوق به احکامی تاریخی تبدیل و بر نوع تفسیر کنوانسیون ذیل ماده ۳۰ آن تأثیر گذارد و رویکرد دیوان به تغییر اقلیم را مشخص نماید. برای مطالعه بیشتر

Keller, Helen, and Corina Heri. "The Future is Now: Climate Cases Before the ECtHR." *Nordic Journal of Human Rights* (۲۰۲۲): ۱۵۹

دریای برنت غیرمجاز است. در پی رد دعوی مزبور در محاکم ملی، خواهان این پرونده در سال ۲۰۲۱ دادخواستی را نزد دادگاه اروپایی علیه نروژ مبنی بر نقض حق حیات و زندگی خانوادگی و مسکن به سبب استخراج نفت از دریای برنت مطرح کرد. در آوریل ۲۰۲۲، نروژ با استدلال اینکه حمله سال ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین استخراج بیشتر نفت و گاز را توجیه می‌کند، از دیوان خواست تا قرار رد دعوا را صادر کند اما خواهان ادعا دارد که جنگ به سیاست‌های سال ۲۰۱۶ این کشور چهره قانونی نمی‌بخشد و تولیدات جدید را برای دهه‌های آینده توجیه نمی‌کند. در حال حاضر دیوان از گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط‌زیست، سازمان *ClinetEarth*، کمپین *Norwegian Grandparents' Climate*، شبکه اروپایی نهادهای ملی حقوق بشر، کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان و *ICJ* *Norway* درخواست ارایه نظر کرده است. این پرونده هنوز در دست بررسی است. از آنجایی که دیوان این پرونده را «پرونده تأثیرگذار^{۲۵}» نامیده امکان دارد زودتر از بازه ۳ ساله در خصوص آن تصمیم‌گیری نهایی کند. شایان توجه است که این پرونده نخستین پرونده‌ای است که مستقیماً به استخراج نفت در سایه بحران اقلیمی مربوط می‌شود.

۲-۲-۲- دادگاه آمریکایی حقوق بشر

در سال ۲۰۱۷، دیوان آمریکایی نظر مشورتی شماره ۲۳ در خصوص محیط‌زیست و حقوق بشر را صادر کرد.^{۲۶} اهمیت اصلی این نظر در رابطه با مفهوم صلاحیت در زمینه اعمال یک معاهده حقوق بشری این است که امکان طرح ادعاهای متقاطع^{۲۷} حقوق بشری را در شرایط موسع‌تری از اوضاع و احوال قابل استماع ذیل نظام بین‌آمریکایی تا به امروز فراهم می‌کند. دیوان در این نظریه مقرر داشت که افراد به سبب اعمال فراسرزمینی دولت یا به سبب اثرات خارج از قلمروش، تحت صلاحیت آن دولت در می‌آیند اگر دولت مربوطه بر آن افراد اعمال اقتدار می‌کند یا وقتی آن شخص تحت کنترل مؤثر دولت مزبور است (بند ۸۱).

^{۲۴}. International Commission of Jurists (ICJ).

^{۲۵}. Impact Case.

^{۲۶}. Inter-American Court of Human Rights, "The Environment and Human Rights", (Advisory Opinion OC-۲۳/۱۸, (ser. A) No. ۲۳, ۱۵ November ۲۰۱۷ (In Spanish, in the original), (Advisory Opinion ۲۳), (۲۰۱۷).

^{۲۷} ادعاهای متقاطع (Diagonal Claims) ادعاهای فرامرزی محسوب می‌شوند که توسط افراد علیه دولت‌هایی بجز دولت متبوع مطرح می‌شوند.

این نظر مشخص می‌کند که در اصل، نظام بین‌آمریکایی دعاوی فرامرزی حقوق بشری در رابطه با دیگر انواع رفتارها از جمله آلودگی فرامرزی و خسارت اکولوژیکی را مجاز می‌شمارد. نه تنها این نظام دعاوی مربوط به خسارات وارده توسط عوامل دولت را محدود نمی‌کند بلکه مقرر می‌دارد که صلاحیت دیوان به فعالیت‌هایی که دولت بر آنها کنترل مؤثر دارند، اعمال می‌گردد. البته دیوان در نظر خود تأکید نموده که تعهدات فرامرزی جنبه استثنایی دارند و بایستی به طور مضیق تفسیر شوند (بندهای ۸۱ و ۱۰۴(د)).

۳-۲- دادگاه‌های داخلی

در حوزه محاکم داخلی پرونده *Urgenda Foundation v. State of the Netherlands* نخستین قضیه در جهان است که در آن شهروندان یک کشور اثبات کردند که حکومت‌شان وظیفه قانونی پیشگیری از تغییرات اقلیمی را برعهده دارد. در سال ۲۰۱۵، دادگاه بخش لاهه مقرر داشت که هلند باید میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را تا پایان سال ۲۰۲۰ (در مقایسه با سطوح انتشار سال ۱۹۹۰)، تا حداقل ۲۵٪ کاهش دهد. توضیح آنکه دولت در این پرونده مدعی بود که ماده ۲ و ۸ کنوانسیون اروپایی تعهدات دولت‌ها را به حفاظت در مقابل خطرات تغییر اقلیم شامل نمی‌شود. دادگاه به کنوانسیون تغییر اقلیم اشاره کرد تا بیان دارد که با اینکه این مسأله دارای ماهیتی جهانی است، اما هر دولت از جمله هلند به عنوان طرف کنوانسیون باید نقش خود را به صورت انفرادی ایفاء کند. این ضابطه مسبوق به این مفهوم نوظهور بود که در پرتو تعهدات تغییر اقلیم و حقوق بشر و همچنین در پرتو اصل مثبت منع آسیب که حاوی تعهد دولت‌ها به جلوگیری از فعالیت‌های واقع در سرزمین خود با قابلیت ایراد زیان زیست‌محیطی فرامرزی است (بند ۴.۳.۹)، طرف‌های کنوانسیون باید سهم منصفانه خود را نسبت به کاهش انتشار جهانی اداکنند (بند ۵.۷.۵). نکته جالب اینکه این پرونده سرآغاز حرکتی عظیم در خصوص ارجاع قضایای دادخواهی اقلیمی به دادگاه‌های ملی و منطقه‌ای بوده است.^{۲۸} این تصمیم توسط دولت مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفت. دادگاه تجدیدنظر در سال ۲۰۱۸ این رأی را تأیید نمود که مجدداً در دیوان عالی نسبت به رأی فرجام‌خواهی شد و در سال ۲۰۲۰ به نفع بنیاد *Urgenda* حکم صادر و بیان شد که تلاش دولت برای کاهش انتشار تا ۱۷٪ برای تحقق مشارکت هلند در هدف جهانی ۲ درجه

^{۲۸}. Cox, Roger. "A climate change litigation precedent: Urgenda Foundation v The State of the Netherlands." *Journal of Energy & Natural Resources Law*, ۳۴, no. ۲ (۲۰۱۶): ۱۴۳-۱۶۳.

سانتیگراد کافی نیست و باید اقدامات سخت گیرانه تری را در این زمینه انجام دهد.

در سال ۲۰۱۷، فرانسه قانون مربوط به تعهد به مراقبت را وضع کرد که شرکت های فرانسوی را به شناسایی و پیشگیری از خطرات پیش روی حقوق بشر و محیط زیست که به واسطه اقدامات تجاری شان ایجاد می شود، ملزم می کند. در سال ۲۰۱۹، شش سمن از جمله دوستان زمین دعوایی را علیه شرکت توتال آغاز کردند با این ادعا که طرح مراقبت مقتضی توتال به طور مناسب چرخه حیاتی بالقوه گازهای گلخانه ای ناشی از پروژه را مدنظر قرار نداده است. در ژانویه ۲۰۲۰، دادگاه مدنی شهر نانت صلاحیت خود را برای استماع این ادعا براساس اینکه صالح به رسیدگی به مسایل مربوط به مدیریت داخلی شرکت در رابطه با طرح مراقبت نیست، رد کرد.

البته، در پرونده ای دیگر که علیه شرکت توتال در فوریه ۲۰۲۱ طبق همان قانون مطرح شد، دادگاه مدنی نانت دیدگاه مغایری را اتخاذ کرد و رأی به صلاحیت خود برای رسیدگی به ادعای مرتبط به تغییر اقلیم داد. در این پرونده خواهان ها از دادگاه خواستند که به توتال دستور دهد که از خسارت به محیط زیست جلوگیری کند. دادگاه خاطر نشان کرد که اگرچه طرح مراقبت، عملیات های انجام شده توسط شرکت را تحت تاثیر قرار می دهد، اما هدف آن قانون و خطراتی که قرار است از آن جلوگیری کند، و رای این مسایل است. اگرچه دادگاه در خصوص مسایل ماهوی ادعا علیه توتال تصمیم گیری نکرد، اما این حقیقت که صلاحیتش را برای ورود به ماهیت تأیید کرد، گام بزرگی است که احتمالاً طرح دعوای جدید را علیه شرکت های فرانسوی مرتبط با اثر زیست محیطی فعالیت های شان در داخل یا خارج فرانسه ترغیب می کند.

پرونده *Milieudefensie et al. v. Royal Dutch Shell pl*، که توسط دادگاه بخش لاهه در ماه می ۲۰۲۱ تصمیم گیری شد، دعوای دیگری است که توسط ۷ سمن از جمله دوستان جوان زمین و ۱۷،۳۷۹ شخص علیه شل که جایگاهی حائز اهمیت در تجارت هلند دارد، مطرح شد. این پرونده این سؤال را مطرح ساخت که آیا امکان دارد یک شرکت خصوصی تعهد به مراقبت و تعهدات حقوق بشری را از طریق عدم اتخاذ اقدام مناسب جهت مقابله با انتشار گازهای گلخانه ای نقض کند یا خیر؟ در نهایت، دادگاه هلند به شرکت نفتی شل دستور داد سطح انتشارش را کاهش و با هدف مقرر در موافقت نامه پاریس همسان سازد. هم چنین اعلام شد که طبق قانون مسؤولیت مدنی هلند، شل متعهد به پیشگیری از خطرات جدی ناشی از تولید گازهای گلخانه ای است (بند ۴.۴.۱۱). در قضیه *Carbon Majors Inquiry* در فیلیپین، کمیسیون ملی حقوق بشر در دسامبر ۲۰۱۹ بدین نتیجه رسید که ۴۷ مورد از بزرگترین تولیدکنندگان سوخت های

فسیلی از جمله شرکت نفتی بریتانیا، شورون، اگزونوموبیل، رپسول و شل نقش آشکاری در تغییر اقلیم با منشأ انسانی ایفا می کنند و می توان آن ها را در قبال نقض حقوق انسانی ناشی از گرمایش زمین پاسخگو کرد.^{۲۹}

در سال ۲۰۲۱ نیز دعوایی در دادگاه های برزیل علیه دولت و سازمان محیط زیست این کشور مطرح شد که در پی الزام دولت به اتخاذ اقدام موثرتر در زمینه تغییر اقلیم است. شاکیان بر حق بر محیط زیست سالم که در قانون اساسی شناسایی شده و نیز حقوق بنیادین نظیر حق حیات، شرافت، سلامت، غذا و مسکن مناسب و به علاوه موافقت نامه پاریس و چندین اصل تثبیت شده حقوق بین الملل محیط زیست استناد کرده اند.

۳- ارزیابی آراء و چالش های پیرامون دادخواهی تغییر اقلیم

میزان پرونده های دادخواهی اقلیم علیه دولت ها و نیز شرکت ها ظاهراً در حال افزایش است. موافقت نامه پاریس که از سال ۲۰۱۶ لازم الاجرا شده است توانسته زمینه ای را برای دادخواهی اقلیم فراهم کند هرچند اثربخشی آن به انتخاب، طراحی و اجرای اقدامات ماهوی اتخاذ شده در سطح ملی بستگی دارد.^{۳۰} در دوران پساپاریس، کشورها ملزم به اتخاذ اقدامات داخلی برای کاهش انتشار از طریق برنامه های مشارکتی ملی هستند و باید تلاش های آینده نگرانه ای را در زمینه تعهدات مندرج در موافقت نامه در پیش بگیرند و در این راه محاکم نقش مهمی در پاسخ گو کردن دولت ها و اینکه تعهدات ذریط دارای اثر عملی و اجرایی هستند، برعهده دارند. نمونه بارز چنین پرونده هایی در قضیه Urgenda نمود پیدا کرد.^{۳۱} البته در تمامی پرونده های از این دست، فقدان آینده نگری سیاسی اثر حقوقی مهمی دارد و اینکه نهایتاً باید اقدامات مؤثرتری در زمینه کاهش تغییر اقلیم اجرایی شود.^{۳۲}

از بررسی دعاوی فوق بدست آمد که دادخواهی های تغییر اقلیم با چالش هایی مواجه هستند. نخستین چالش، بحث رابطه سببیت و نیاز به ایجاد رابطه بین فعل زیان بار شرکت یا دولت انتشاردهنده و عدم اجرای سیاست های انطباقی توسط دولت و اثرات ناشی از آن از یک سو و پیامدهای متعاقب آن بر حقوق بشر از

^{۲۹}. Kaminski, Isabella. "Carbon Majors can be Held Liable for Human Rights Violations, Philippines Commission Rules." *Climate Liability News*, ۹ (۲۰۱۹).

^{۳۰}. Wegener, Lennart. "Can the Paris agreement help climate change litigation and vice versa?." *Transnational Environmental Law*, ۹, no. ۱ (۲۰۲۰): ۱۸.

^{۳۱}. Bouwer, Kim. "The Unsexy Future of Climate Change Litigation." *Journal of Environmental Law*, ۳۰, no. ۳ (۲۰۱۸): ۴۸۴-۴۸۵.

^{۳۲}. Wegener, ۲۰۲۰: ۵.

سوی دیگر است. چالش دوم، مسأله صلاحیت فراسرزمینی است که به پاسخگو نگه داشتن افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها در قبال فعالیت‌های زیان‌بار آسیب‌زا به دولت‌های دیگر ورای مرزهای سرزمینی مربوط می‌شود. البته با وجود تمام این چالش‌ها و موانع، پرونده‌های فوق‌شاهدی بر پذیرش دعاوی حقوق بشرمحور در میان قضات و نهادهای شبه‌قضایی است. لذا بسیاری از پژوهشگران^{۳۳} بر این عقیده‌اند که طرح دعاوی تغییر اقلیم در پوشش حقوق بشر دستیابی به موفقیت را بیشتر و امکان استفاده از ظرفیت‌های سایر مجاری حقوقی را تقویت می‌کند.^{۳۴}

در ذیل برخی از چالش‌های پیش‌رو که در پرونده‌های دادخواهی مربوط به تغییر اقلیم وجود دارد و در قضایای فوق مطرح شده، ارائه و به استدلال‌هایی جهت غلبه بر این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳- تبیین مسؤلیت و محدوده اجرای تعهدات حقوق بشری

دولت‌ها متعهدند حقوق بشر را مورد احترام، حمایت و ایفاء قرار دهند. اما آیا می‌توان تعهد به احترام، حمایت و ایفاء حقوق بشر را که کارکرد درون-سرزمینی دارند به انتشار گازهای گلخانه‌ای که ذاتاً تأثیر فرامرزی دارد و از حیطه صلاحیت سرزمینی دولت‌ها خارج است، تعمیم داد؟
زمینه کلی تعهدات حقوق بشری را می‌توان تحت عنوان تعارض بین دو گزاره تعریف کرد: نخست، اصلی است که طبق آن دولتی که متعهد به احترام به حقوق بشر شده نبایستی قادر به استفاده از مرزهای ملی برای فرار از مسؤلیت برای نقض حقوق بشری متعهد به شود. چنانکه کمیته حقوق بشر در قضیه *Sergio Euben Lopez Burgos v. Uruguay*^{۳۵} بیان داشته است که «تفسیر مسؤلیت ذیل ماده ۲ میثاق به نحوی که به دولتی اجازه نقض میثاق را در سرزمین دولت دیگر دهد، خلاف وجدان است، در حالی که چنین دولتی مرتکب چنان نقض تعهدی در سرزمین خود نمی‌شد.» این اصل تلویحاً بیان می‌دارد که

^{۳۳}. Bridgeman, Natalie L. "Human rights litigation under the ATCA as a proxy for environmental claims." *Yale Human Rights & Development Law Journal*, ۶ (۲۰۰۳): ۱, & Piccolotti, Romina, and Jorge Daniel Taillant, eds. *Linking human rights and the environment*. University of Arizona Press, ۲۰۱۰.

^{۳۴}. Setzer, Joana, and Lisa C. Vanhala. "Climate change litigation: A review of research on courts and litigants in climate governance." *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change*, ۱۰, no. ۳ (۲۰۱۹): e۰۸۰: ۱۰-۱۱.

^{۳۵}. Human Rights Committee, "Sergio Euben Lopez Burgos v. Uruguay", Communication No. R.۱۲/۵۲, U.N. Doc Supp. No. ۴۰ (A/۳۶/۴۰) ('Lopez-Burgos v. Uruguay'), (۱۹۸۱): ۱۷۶.

سازوکارهای پاسخگویی حقوق بشر باید در جایی که رابطه مستقیم بین عمل قابل انتساب به یک دولت و نقض حقوق بشر افراد وجود دارد، واکنش نشان دهند؛ اگرچه فرد مورد آسیب در خارج از مرزهای آن کشور واقع شده و نقض حقوق بشر نیز خارج از قلمرو کشور مربوطه است. طبق گزاره دوم که در تعارض با گزاره اول است، تمامی معاهدات مهم بین‌المللی حقوق بشری بین یک دولت و افراد تحت صلاحیت سرزمینی‌اش قابل اعمال است و در نتیجه هر دولت برای تثبیت و تضمین شرایط یک زندگی انسانی آبرومندانه برای افراد واقع در مرزهایش مسئول است. نمی‌توان از دولت‌ها به سبب ماهیت و محدودیت‌های واقع بر قلمروشان انتظار داشت که نسبت به افراد واقع در سرزمینی دیگر به نحو یکسان عمل کنند.^{۳۶} در هر حال در فضای واقعی، این دو اصل در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند و امکان اعمال یکی از این دو در هر مورد است.

۲-۳- صلاحیت و مبانی حقوقی توجیه کننده آن

دادگاه اروپایی در قضیه *Banković v. Belgium and others* مقرر داشت که صلاحیت را در ماده ۱ کنوانسیون اروپایی باید در معنای معمول تفسیر کرد و اینکه معنای معمول صلاحیت در حقوق بین‌الملل ابتدائاً سرزمینی است (بندهای ۶۱-۵۹). دیوان همچنین یادآور شد که استثنایی را نیز شناسایی کرده که طبق آن دولت بر سرزمین خارجی نظیر قضیه ترکیه در قبرس شمالی اعمال کنترل مؤثر کند (بندهای ۶۸-۷۱).

دادگاه آمریکایی نیز در رأی مشورتی خود در زمینه محیط زیست و حقوق بشر اظهار داشت «در وضعیت‌های نقض حقوق بشر ناشی از آثار فراسرزمینی اقدامات داخلی، زمانی صلاحیت دولت منشأ آثار فراسرزمینی به رسمیت شناخته می‌شود که آن دولت بر اقدامات منجر به ورود خسارت در قلمرو دولت خارجی و ناقض حقوق بشر کنترل داشته باشد (بند ۱۰۴).»

همچنین کمیته حقوق بشر در بند ۲۲ تفسیر کلی شماره ۳۶ در خصوص ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی راجع به حق حیات اظهار داشت: «طرفین میثاق باید اقدامات مقتضی را در حوزه قانونگذاری و سایر موارد اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که تمام اقداماتی که به‌طور کلی یا بخشی از آن در قلمرو یا مناطق تحت صلاحیت آن‌ها انجام می‌شود اما اثر مستقیم و قابل پیش‌بینی بر حق حیات

^{۳۶}. The ECtHR recognized 'effective control' of territory as a basis for jurisdiction under Article 1 of the ECHR in *Loizidou v. Turkey*, Application No. 1۵۳۱۸/۸۹, at para. ۵۲.

افراد خارج از قلمرو آنها دارد، از جمله اقدامات شرکت‌های واقع در قلمرو آنها یا تحت صلاحیت‌شان مطابق با ماده ۶ میثاق می‌باشند.»
کمیته حقوق بشر برای تعیین صلاحیت دولت ناشی از آثار فراسرزمینی اقدامات داخلی معیار کنترل مؤثر بر بهره‌مندی افراد از حقوق بشر را معرفی می‌کند و بیان می‌دارد: «افراد تحت صلاحیت دولت‌ها افرادی هستند که دولت‌ها بر بهره‌مندی آنها از حق بر حیات کنترل مؤثر دارند.»^{۳۷} معیار سومی برای پذیرش صلاحیت دولت ناشی از آثار فراسرزمینی اقدامات داخلی به رسمیت شناخته شده است که مبتنی بر کنترل بر وضعیت نقض حقوق بشر می‌باشد.
لازم به ذکر است که سه معیار کنترل مؤثر بر اقدامات ناقض حقوق بشر و بهره‌مندی افراد از حقوق بشر و وضعیت نقض حقوق بشر در ارتباط با یکدیگر هستند و یک معیار به تنهایی نمی‌تواند صلاحیت فراسرزمینی دولت را توجیه کند زیرا معیار نخست وقتی قابل اعمال است که اقدامات ناقض حقوق بشر بر بهره‌مندی افراد از این حقوق یا وضعیت نقض‌شان تأثیر داشته باشد و بدون جمع دو معیار صلاحیت فراسرزمینی توجیه ندارد. مضافاً این که معمولاً بین معیار دوم و سوم ملازمه وجود دارد؛ یعنی وقتی که فعل یا ترک فعل یک دولت آثار قابل توجهی بر رعایت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خارج از قلمروش دارد، این فعل یا ترک فعل بر وضعیت نقض حقوق بشر و بهره‌مندی افراد از حقوق بشر تأثیر می‌نهد. به بیان ساده‌تر، صلاحیت فراسرزمینی با اعمال معیار کنترل مؤثر وقتی قابل اجراست که بر اقدامات ناقض حقوق بشر و بر بهره‌مندی افراد از حقوق بشر یا بر وضعیت نقض حقوق بشر مؤثر باشد.
بر اساس اصل مراقبت مقتضی نیز که در پذیرش صلاحیت دولت جهت تعیین تعهدات حقوق بشری ناشی از آثار فراسرزمینی اقدامات داخلی نقش مهمی دارد، دولت‌ها متعهدند از ورود خسارت قابل توجه به خارج از قلمرو خود پیشگیری کنند. دیوان بین‌المللی دادگستری در توضیح اصل یاد شده بیان می‌کند دولت‌ها نباید اجازه دهند در قلمرو آنها اقداماتی انجام شود که به حقوق سایر ملل لطمه وارد کند. در رأی تریل اسملتر بیان شده که هیچ دولتی حق ندارد از قلمرو خود به گونه‌ای استفاده کند یا اجازه دهد از آن به گونه‌ای استفاده شود که به قلمرو سایر دولت‌ها لطمه وارد سازد.^{۳۸}

^{۳۷}. Human Rights Committee, "General comment No. ۳۶ on article ۶ of the International Covenant on Civil and Political Rights: on the right to life", (۲۰۱۸): para. ۶۳.

^{۳۸}. Kuhn, Arthur K. "The Trail Smelter Arbitration—United States and Canada." American Journal of International Law ۳۲, no. ۴ (۱۹۳۸): ۷۸۵-۷۸۸.

دادگاه آمریکایی در رأی مشورتی خود تعهدات حقوق بشری دولت‌ها ناشی از آثار فراسرزیمینی اقدامات داخلی را بر اصل مراقبت مقتضی مبتنی کرده است که به موجب آن تعهد به پیشگیری از خسارت فرامرزی زیست محیطی از تعهدات حقوق بین‌الملل محیط زیست است و صلاحیت دولت علاوه بر اقدامات فراسرزیمینی ممکن است ناشی از آثار فراسرزیمینی اقدامات داخلی باشد. هنگامی که خسارت فرامرزی ایجاد شود و حقوق بشر را تحت تأثیر قرار دهد افرادی که حقوق‌شان نقض شده مشمول صلاحیت دولتی که اقدامات در قلمرو آن انجام شده قرار می‌گیرند.^{۳۹}

کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی شماره ۶ در مورد ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی راجع به حق حیات اظهار داشت: «طرفین میثاق باید تدابیر مقتضی را اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که تمام اقداماتی که در قلمرو تحت صلاحیت آن‌ها انجام می‌شود اما اثر مستقیم و قابل پیش‌بینی بر حق حیات افراد خارج از قلمرو آن‌ها دارد مطابق با ماده ۶ میثاق باشد.» در رژیم تغییر اقلیم، تعداد زیادی از کشورها در حال پذیرش مقررات الزامی مراقبت مقتضی هستند که شرکت‌ها را ملزم به شناسایی اثرات منفی رویکردهای تجاری خود و توسعه طرح‌هایی برای رویارویی با چنین اثراتی می‌کنند. مقررات الزامی مراقبت مقتضی می‌تواند مستقیماً یا به طور غیرمستقیم شرکت‌ها را ملزم به اتخاذ اقداماتی جهت شناسایی، پیشگیری و کاهش خطرات اقلیمی کنند. در این رابطه کمیسیون اروپا پیشنهادی را در خصوص دستورالعمل مراقبت مقتضی پایداری شرکت‌ها^{۴۰} مطرح کرد که شرکت‌های بزرگ را ملزم به توسعه برنامه‌ای برای هماهنگی مدل و راهبرد تجاری‌شان با هدف ۱.۵ درجه سانتیگراد مقرر در موافقت‌نامه پاریس می‌کند. اخیراً دادخواهی اقلیمی به طور خاص بیشتر بر تعهدات مراقبت مقتضی شرکت اتکا کرده است.^{۴۱} این مفهوم را می‌توان در اصول راهبردی ملل متحد در خصوص تجارت و حقوق بشر و چندین سند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از جمله دستورالعمل‌های مربوط به شرکت‌های چندملیتی جستجو کرد که در کل، سیستم شبه حقوقی را در خصوص تعهدات حقوق بشری متمایز شرکت‌ها که باید مورد رعایت و اجرای این نهادها قرار گیرد، ارایه می‌کنند. در طول دهه گذشته، حقوق بشر و مراقبت مقتضی به طور گسترده در رویه‌های

^{۳۹}. Banda, Maria L. "Inter-American court of human rights' advisory opinion on the environment and human rights." *American Society of international Law: Insights* (2018) (۲۰۱۸).

^{۴۰}. Corporate Sustainability Due Diligence.

^{۴۱}. Bueno, Nicolas, and Claire Bright. "Implementing human rights due diligence through corporate civil liability." *International & Comparative Law Quarterly*, ۶۹, no. ۴ (۲۰۲۰): ۷۸۹-۸۱۸.

اختیاری شرکت‌ها، استانداردهای صنعتی و قوانین ملی اتخاذ شده است و بنابراین، توجه روز افزون به آن در دادخواهی اقلیمی چندان غیرمنتظره نیست.^{۴۲}

۲-۳- اثبات عناصر مسؤولیت

یکی از چالش‌های موازین حقوقی مقابله با تغییر اقلیم ضعف نظام مسؤولیت نسبت به جبران خسارت‌های ناشی از آن است. برخی کشورها از تغییر اقلیم دچار خسارت‌های فراوان شده یا خواهند شد و نظام حقوق بین‌الملل و معاهدات مربوطه تاکنون نتوانسته است بیک نظام جامع مسؤولیت مدنی در این خصوص طراحی و کشورهای توسعه یافته عامل تغییر اقلیم را ملزم به جبران خسارت‌های وارده نماید.

در دعای مسؤولیت بین‌المللی دولت در قبال تغییر اقلیم، خواهان بار ارائه و اثبات دلیل را به دوش می‌کشد که نوعاً مستلزم اثبات رابطه سببیت، شناسایی مسؤل و اثبات ورود خسارت است. برخی اذعان نموده‌اند که به دلیل اینکه اثبات رابطه سببیت بین فعل و ترک فعل از یک طرف و خسارات محیط‌زیستی از طرف دیگر امری مشکل است، امکان ترسیم چنین نظام مسؤولیتی در حوزه تغییر اقلیم دشوار می‌باشد.^{۴۳}

در بحث مسؤولیت، خسارت نباید خیلی بعید یا خیلی ذهنی^{۴۴} باشد. برای تحقق مسؤولیت، اصولاً احراز رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و ضرر لازم است. اما همیشه احراز سبب به آسانی ممکن نیست. اجمال در عامل مسؤل حادثه میان اشخاص محصور و غیرمحصور و تعدد اسباب طولی و عرضی موجب دشواری در یافتن مسؤل حادثه یا نحوه تقسیم مسؤولیت می‌شود. ماهیت اشتراکی طولی و عرضی مسؤولیت انتشار و زیان‌های ناشی از تغییر اقلیم مشکلاتی را از باب اثبات وجود آسیب ذیل مواد طرح مسؤولیت ایجاد می‌کند.^{۴۵} طبق این طرح، اثبات اینکه آسیب مربوطه به واسطه عمل متخلفانه بین‌المللی ایجاد شده عنصر

^{۴۲}. Bonnitcha, Jonathan, and Robert McCorquodale. "The concept of 'due diligence in the UN guiding principles on business and human rights.'" *European Journal of International Law*, ۲۸, no. ۳ (۲۰۱۷): ۸۹۹-۹۱۹.

^{۴۳}. پورهاشمی، سیدعباس. طیبی، سیحان و نادری، شیما، «دادخواهی و مسؤولیت بین‌المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی»، *فصلنامه انسان و محیط زیست*، دوره ۱۲، شماره ۳۱، (۱۳۹۳): ۷۹.

^{۴۴}. Speculative.

^{۴۵}. Faure, Michael G., and Andre Nollkaemper. "International liability as an instrument to prevent and compensate for climate change." *Stanford Environmental Law Journal*, ۲۶ (۲۰۰۷): ۱۲۳.

جدایی ناپذیر تعهد دولت (های) مسؤول جهت جبران زیان وارده است.^{۴۶} البته وقتی چندین دولت و چند نهاد در آسیب‌های ناشی از تغییر اقلیم مشارکت دارند، اثبات اینکه اقدامات مشخص هریک از دول یا نهادها عامل بلافصل ایجاد زیان است، اگر نه غیرممکن، بلکه دشوار است. به چند دلیل قضایای راجع به تغییر اقلیم مشکلات خاصی در پی دارند. نخست، فاصله منبع انتشار از محل بروز خسارت ممکن است گاهی صدها مایل باشد؛ چنین وضعیتی حتی وقتی که فعالیت‌های مخرب اقلیمی قابل تشخیص باشند نیز می‌تواند تردیدهایی را در مورد رابطه علیت ایجاد کند. دوم، آثار مضر گازهای گلخانه‌ای ممکن است تا سال‌ها پس از ارتکاب عمل آشکار نشوند.^{۴۷} به علاوه، در مسایل فرامرزی که به خصوص در بحث تغییر اقلیم مطرح است، چندین بازیگر در تشدید اثرات تغییر اقلیم ایفای نقش می‌کنند.^{۴۸}

به هر حال، به سبب موانع سیاسی و چالش‌های اثبات رابطه سببیت و نیز با توجه به تقسیم مسؤولیت بین دولت‌های درگیر، تا حدودی طرح ادعای خسارت علیه دولت‌ها براساس اصول مسؤولیت دولت طبق حقوق بین‌الملل، دشوار به نظر می‌رسد. اما شاکیان با طرح ادعای نقض تعهدات حقوق بشری دولت به واسطه تغییر اقلیم روز به روز بر چالش‌های رابطه سببیت در پرونده‌های اقلیمی حق‌محور در حال فائق آمدن هستند.

شواهد متقن جهت ایجاد رابطه سببیت قوی بین انتشار در گذشته و آینده، افزایش دمای سطحی و در پی آن، احتمال وقوع حوادث آب و هوایی شدید باعث پیشرفت‌هایی در زمینه انتساب مسؤولیت اقلیمی شده است و شاکیان را در پرونده‌های تغییر اقلیم، به اثبات سبب اقوی یاری می‌رساند.^{۴۹} همچنین شناسایی حق بر محیط زیست سالم این فایده هنجاری را دارد که راهی را برای چیره شدن بر مشکل رابطه سببیت میان شکاف تغییر اقلیم و حقوق بشر باز نماید

^{۴۶} طبق ماده ۳۲ پیش‌نویس طرح مواد مسؤولیت دولت، آسیب به نحوی تعریف شده که شامل هرگونه خسارتی چه مادی و چه معنوی که به واسطه عمل خطا کارانه بین‌المللی ارتکاب یافته می‌شود. البته با نظر بند ۲ ماده ۳۱ سند فوق، در زمینه موسع‌تر حقوق محیط‌زیست، مشکلات جدی از لحاظ کمی‌سازی خسارت‌های زیست‌محیطی اقلیمی در حوزه مالی بروز می‌کند.

^{۴۷} رضایی آهنگرانی، محمد علی و همکاران، «شاخص‌های حقوقی تشخیص ذی‌حق در دعاوی زیست‌محیطی ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)، (۱۳۹۹): ۲۴۰۹.

^{۴۸} Stuart-Smith, Rupert, Aisha Saad, Friederike Otto, Gaia Lisil, Kristian Lauta, Petra Minnerop, and Thom Wetzler. "Attribution science and litigation: facilitating effective legal arguments and strategies to manage climate change damages." (۲۰۲۱).

^{۴۹} Yoshida, Keina, and Joana Setzer. "The trends and challenges of climate change litigation and human rights." *European Human Rights Law Review*, ۲۰۲۰, no. ۲ (۲۰۲۰): ۱۹.

و تعهدات جمعی به احترام، حمایت و اجرای حق محیط‌زیست می‌تواند یک دولت را در برابر انتشار بیش از اندازه حتی بدون اثبات نقض حقوق بنیادین دیگر مسؤول قرار دهد.

نتیجه‌گیری

دادخواهی در هر سطحی دارای پیچیدگی‌های فنی متعددی است؛ اگرچه کوتاهی یک دولت در انجام تعهدات اقلیمی (برای مثال مرتبط با کاهش، انطباق و رویارویی با زیان و خسارات) می‌تواند موجبات نقض طیف متنوعی از قواعد حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر را فراهم سازد، با این حال ظرفیت راه‌های مختلف دادخواهی را باید سنجید تا مورد مناسب‌تر را در دستور کار قرار داد. رویکرد حقوق بشر محور برای دادخواهی در قبال موارد زیان و خسارات ناشی از تغییر اقلیم نه تنها در پر کردن برخی خلأهای موجود در امکان طرح دعوی مؤثر است بلکه این رویکرد به افراد ذی‌حق این امکان را می‌دهد که برای احقاق حقوق خود مستقیماً ورود کنند.

طرح دعوی علیه کشورهای آلوده‌کننده نزد محاکم داخلی و منطقه‌ای و نیز کمیته‌های شبه قضایی ملل متحد که از جمله جنبش‌های موثر به سوی احیای رویکرد حقوق بشر محور برای تغییر اقلیم محسوب می‌شوند، در حال توسعه است. با این حال نمی‌توان انکار کرد که دادخواهی بر مبنای حقوق بشر در قبال موضوعات تغییر اقلیم هنوز در آغاز راه است و سازوکارهای قضایی یا شبه قضایی اولین تجربیات استنادی و تحلیلی خود را سپری می‌کنند فلذا رویه‌ها در حال شکل‌گیری هستند. در مطالعه حاضر، ضمن تشریح چگونگی پیوند موازین حقوق بشر و موضوعات تغییر اقلیم، ابعاد فنی مقوله صلاحیت، ماهیت تعهدات حقوق بشری و فرایند احراز مسؤولیت به عنوان چالش‌های اصلی روند دادخواهی مورد بررسی قرار گرفتند. رویه‌های مورد بررسی به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهند که نهادهای نظارتی کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته حقوق کودک در قبال مطالبات روز افزون فعالان مقابله با تغییر اقلیم بر آمادگی‌های خود می‌افزایند تا به صورت جامع‌تری به مباحث تغییر اقلیم و حقوق بشر ورود کنند. به موازات این روند رو به رشد، سازوکارهای گزارشگری تابعه شورای حقوق بشر سازمان ملل به ویژه از طریق دو گزارشگر تغییر اقلیم و حقوق بشر و محیط‌زیست و حقوق بشر نیز به شکل‌های مختلف در حال تقویت مبانی استدلالی امکان دادخواهی در قبال موارد زیان بار تغییر اقلیم هستند.

طرح دعاوی تغییر اقلیم نزد کمیته‌های شبه قضایی ملل متحد به طور گسترده‌ای همراهی افکار عمومی را نیز با خود به همراه می‌آورد که این امر در تلاش‌های

جهانی برای اتخاذ اقدامات مؤثر در قبال تغییر اقلیم ظرفیت مهم و اثرگذاری محسوب می‌شود. تحولات در حقوق بین‌الملل بشر همراه با مسؤولیت بین‌المللی و حقوق محیط زیست، چشم اندازی امیدوارکننده در تقویت دعاوی تغییر اقلیم را پیش‌رو قرار می‌دهد که در آینده در ابعاد مختلف رفع نگرانی‌های ناشی از تغییر اقلیم از جمله انتشار گازهای گلخانه‌ای نتایج آن بهتر خود را نشان خواهد داد.

کتاب‌نامه

الف - فارسی

پورهاشمی، سیدعباس. طبیعی، سبحان و نادری، شیما، «دادخواهی و مسؤولیت بین‌المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی»، *فصلنامه انسان و محیط زیست*، دوره ۱۲، شماره ۳۱، (۱۳۹۳): ۷۵-۸۶

خوش‌منش بهنوش، پورهاشمی سیدعباس، سلطانیه، محمد و هرمیداس باوند، داوود، «بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، دوره هفدهم، شماره ۴، (۱۳۹۴): ۲۲۳-۲۳۴.

رضایی آهنگرانی، محمد علی و همکاران، «شاخص‌های حقوقی تشخیص ذی‌حق در دعاوی زیست محیطی ایران»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال سوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)، (۱۳۹۵): ۲۳۹۵-۲۴۱۱.

سمیعی، سارا، تحلیلی بر تغییرات اقلیمی در کره زمین و بحران‌های منابع طبیعی و تنوع زیستی جهان، چهارمین کنفرانس بین‌المللی بیولوژی و علوم زمین، (همدان، ۱۴۰۰)، صص. ۱-۱۴.

الف - لاتین

- Banda, Maria L. "Inter-American court of human rights' advisory opinion on the environment and human rights." *American Society of international Law: Insights (2018)* (۲۰۱۸)
- Bonnitcha, Jonathan, and Robert McCorquodale. "The concept of 'due diligence in the UN guiding principles on business and human rights.'" *European Journal of International Law*, ۲۸, no. ۳ (۲۰۱۷): ۸۹۹-۹۱۹.
- Bouwer, Kim. "The Unsexy Future of Climate Change Litigation." *Journal of Environmental Law*, ۳۰, no. ۳ (۲۰۱۸): ۴۸۴-۴۸۵
- Bridgeman, Natalie L. "Human rights litigation under the ATCA as a proxy for environmental claims." *Yale Human Rights. & Development Law Journal*, ۶ (۲۰۰۳): ۱.

- Bueno, Nicolas, and Claire Bright. "Implementing human rights due diligence through corporate civil liability." *International & Comparative Law Quarterly*, 79, no. 4 (2020): 789-818.
- Committee on the Rights of the Child, "Decision adopted by the Committee on the Rights of the Child under the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on a communications procedure in respect of Communication No. 108/2019" (2019).
- Cox, Roger. "A climate change litigation precedent: Urgenda Foundation v. The State of the Netherlands." *Journal of Energy & Natural Resources Law*, 34, no. 2 (2016): 143-163.
- Faure, Michael G., and Andre Nollkaemper. "International liability as an instrument to prevent and compensate for climate change." *Stanford Environmental Law Journal*, 26 (2007): 123.
- Feria-Tinta, Monica. "Climate Change Litigation in the European Court of Human Rights: Causation, Imminence and Other Key Underlying Notions." *Europe of Rights & Liberties*, 1 (2021): 3.
- Human Rights Committee, "General comment No. 36 on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights: on the right to life", (2018).
- Human Rights Committee, "Sergio Euben Lopez Burgos v. Uruguay", Communication No. R.12/02, U.N. Doc Supp. No. 40 (A/36/40) ('Lopez-Burgos v. Uruguay'), (1981).
- Human Rights Council, "Resolution 48/14: Mandate of the Special Rapporteur on the promotion and protection of human rights in the context of climate change", UN Doc. A/HRC/48/L.27*, (4 Oct. 2021).
- Inter-American Court of Human Rights, "The Environment and Human Rights", (Advisory Opinion OC-23/18, (ser. A) No. 23, 10 November 2017 (In Spanish, in the original), (Advisory Opinion 23), (2017).
- IPCC, "Climate Change 2013: The Physical Science Basis." Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change 1030 (2013).

- Kaminski, Isabella. "Carbon Majors can be Held Liable for Human Rights Violations, Philippines Commission Rules." *Climate Liability News*, 9 (2019).
- Keller, Helen, and Corina Heri. "The Future is Now: Climate Cases Before the ECtHR." *Nordic Journal of Human Rights*, (2022): 1-22.
- Knox, John. "Framework principles on human rights and the environment." UN Human Rights Special Procedures: Special Rapporteur, Independent Experts & Working Groups. Geneva (2018).
- Kuhn, Arthur K. "The Trail Smelter Arbitration—United States and Canada." *American Journal of International Law* 32, no. 4 (1938): 780-788.
- Liston, Gerry. "Enhancing the efficacy of climate change litigation: how to resolve the 'fair share question' in the context of international human rights law." *Cambridge International Law Journal*, 9, no. 2 (2020): 241-263.
- Peel, Jacqueline, and Hari M. Osofsky. "A rights turn in climate change litigation?" *Transnational Environmental Law*, 9, no. 1 (2018): 37-67.
- Peel, Jacqueline, and Hari M. Osofsky. "Climate change litigation." *Annual Review of Law and Social Science*, 16, no. 1 (2020): 21-38.
- Picolotti, Romina, and Jorge Daniel Taillant, eds. *Linking human rights and the environment*. University of Arizona Press, 2010.
- Rimmer, Matthew. "The Torres Strait Eight: Climate Litigation, Biodiversity, Human Rights, and Indigenous Intellectual Property." *Human Rights, and Indigenous Intellectual Property (January 1, 2022)*.
- Setzer, Joana, and Lisa C. Vanhala. "Climate change litigation: A review of research on courts and litigants in climate governance." *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change*, 10, no. 3 (2019): e080.

- Strauss, Andrew L. "Climate change litigation: Opening the door to the international court of justice." Chapter 10, *in the book of Adjudicating Climate Change*, Cambridge University Press 2009.
- Stuart-Smith, Rupert, Aisha Saad, Friederike Otto, Gaia Lisil, Kristian Lautu, Petra Minnerop, and Thom Wetzer. "Attribution science and litigation: facilitating effective legal arguments and strategies to manage climate change damages." (2021).
- Swiss Federal Administrative Court, "Union of Swiss Senior Women for Climate Protection v. Swiss Federal Council and Others", A-2992/2017, (2018).
- Tang, Ke, and Otto Spijkers. "The Human Right to a Clean, Healthy and Sustainable Environment." *Chinese Journal of Environmental Law*, 6, no. 1 (2022): 87-107.
- UNOHCHR, "Report on the Relationship between Climate Change and Human Rights", A/HRC/161, (2019).
- Voigt, Christina. "The first climate judgment before the Norwegian Supreme Court: aligning law with politics." *Journal of Environmental Law*, 33, no. 3 (2021): 697-710.
- Wegener, Lennart. "Can the Paris agreement help climate change litigation and vice versa?" *Transnational Environmental Law*, 9, no. 1 (2020): 17-36.
- Yoshida, Keina, and Joana Setzer. "The trends and challenges of climate change litigation and human rights." *European Human Rights Law Review*, 2020, no. 2 (2020): 140-152.

The Role of Human Rights-based Approach towards Facilitating Climate Litigation in Post-Paris Era

Abstract

Climate change and its adverse implications are considered as one of the globally recognized mega-challenges today. To curtail this issue, extensive practical solutions both in international and national levels are in progress. One of the key questions here is the possibility of litigating against malfunction or omissions of States or other actors globally. Activists from different areas are trying to enhance the dynamics of national and international judicial and quasi-judicial capacities to address climate change lawsuits by strengthening the legal relationship between climate change implications and human rights. To this end, the main focus of the present study is to scrutinize: how the link between climate change and human rights is theoretically justified, what approaches are being utilized for litigation, what features the case-law of various judicial and quasi-judicial forums have, how they have overcome technical obstacles of such litigation, and ultimately, how we can evaluate its future prospects. Research methodology is descriptive-analytical approach, using library resources while delving into varying instruments including relevant case-law and by inferring a wide range of data and a general and extendable deduction. This study aims at emphasizing on high capacity of human rights-bases approach when it comes to litigating those who caused climate change.

Key Words: Climate Change, Litigation, Human Rights, Case-law, Quasi-Judicial Investigations, Responsibility.